



حجم بالای پرونده های قضایی زینده جامعه اسلامی نیست/آیا در روابط اقتصادی و حقوقی مانند برادر با یکدیگر هستیم

یک استاد پردیس قم دانشگاه تهران با بیان اینکه سبک زندگی و خانه سازی‌هایی که وجود دارد با فرهنگ ما سازگار نیست، می‌توانستیم ...

یک استاد پردیس قم دانشگاه تهران با بیان اینکه سبک زندگی و خانه سازی‌هایی که وجود دارد با فرهنگ ما سازگار نیست، می‌توانستیم به نحو دیگری معماری و شهرسازی خود را داشته باشیم، گفت: به تعبیر مقام معظم رهبری هر جا که مشکلی داریم از اسلام فاصله گرفتیم و تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتیم. به گزارش خبرنگار مهر، جهان امروز جهان برخوردارهاست، ما همه روزه شاهد برخوردهای گوناگونی در سطوح مختلف جهانی هستیم بعضی از این برخوردها در سطح کلان و بین المللی صورت می‌گیرد که ما گزارشات لحظه به لحظه آنها از طرق گوناگون پیگیری می‌کنیم. همچون برخوردهای نظامی که به نوعی کل جهان را درگیر خود نموده است، اما برخی از این تقابلها به گونه ای آرام و بی صدا در حال شکل گیری است که اگر تأثیرگذاری آن بر روابط انسانی و ارتباطات اجتماعی بیشتر از برخورد نوع اول نباشد کمتر از آن هم نیست همچون تقابل مدرنیته و سنت. در گفتگو با دکتر محمد محمدرضایی استاد پردیس قم دانشگاه تهران ابعادی از تقابل سنت و مدرنیسم بررسی شد که اکنون از نظر شما می‌گذرد.

*فراموشی سنتها باعث انقطاع فرهنگی و شکاف نسلی فرهنگی می‌شود. یکی از عواملی که باعث فراموشی سنتها می‌شود، غرق شدن در مدرنیته و هویت مدرن است. آیا می‌توان بخشی از هویت مدرن را گرفت و دچار فراموشی سنتها نشد؟

در باب ویژگی های مدرنیته و ارتباط و هماهنگی بین آنها دو نظر وجود دارد: یک نظر معتقد است که مدرنیته و اجزا و مؤلفه های آن مجموعه هماهنگی هستند مثل اینکه رابطه ارگانیک بین آنها وجود دارد. اگر یک جزء را بگیریم اجزای دیگر هم به دنبال جزء قبلی می‌آیند، لذا معتقدان به این ویژگی مدرنیته معتقدند ما نباید هیچ بخش از آنها از جهان غرب وام بگیریم و اگر وام گرفتیم کل فرهنگ غرب وارد کشور ما خواهد شد.

یکی از اجزای مدرنیته فناوری و استفاده از صنعت و شیوه های نو در تولید و زندگی و ... است اگر اینها را از غرب أخذ کنیم در واقع شیوه زیستن ما هم متفاوت خواهد شد. مثلا الان ساخت مسکن، شیوه و نحوه سبک زندگی ما نسبت به گذشته دگرگون شده است. برخی از افراد اینها را معلول اقتباس از غرب می‌دانند.

یک نظر دیگر وجود دارد که معتقد است ما می‌توانیم محسنات و ویژگیهای مثبت مدرنیته را بگیریم و چیزهای بد آنها غربال کنیم و نگیریم. اینها یک مجموعه به هم پیوسته ای نیست لذا ما مجبور هستیم با سایر کشورها تعامل کنیم و از کشورهای دیگر مؤلفه ها و اجزای خوب فرهنگ را اقتباس کنیم و آنها هم ممکن است تحت تأثیر فرهنگ ما قرار گیرند. پس دو دید و رویکرد نسبت به مؤلفه های مدرنیته وجود دارد. هر کدام از این نگاه ها برای خودشان دلایلی دارند.

در فرهنگ ما سفارشیهای زیادی شده که مثلا علم را فرابگیرید حتی اگر از کافر یا منافق باشد. همچنین آمده که علم را طلب کنید حتی اگر در چین باشد. به هر جهت سفارشیایی از این دست زیاد انجام شده است. اگر واقعا لازمه فراگیری علم، این بود که مؤلفه ها دیگر را نیز بگیریم نباید این سفارشات در دین ما وجود داشته باشد که ما را ترغیب کند که علم را بگیریم حتی اگر از کافر و منافق باشد. مسلما فرهنگ آن زمان چین، یک فرهنگ دینی نبوده است که پیامبر سفارش به علم آموزی از آن کرده است. فرهنگ دینی در مکه و مدینه وجود داشت و لازم نبود کسی برای آموختن فرهنگ دینی به چین برود. به هر جهت به نظر می‌رسد که باید دلایل هر کدام از این رویکردها را مورد بحث و بررسی قرار داد. ولی آنچه که اکنون در کشور ما معمول هست این است که بالاخره ما باید تا آنجایی که امکان دارد و با فرهنگ ما متضاد نیست مؤلفه های مدرنیته را اقتباس کنیم. البته غرب فرهنگهای نادرستی هم دارند که مسلما با فرهنگ ما سازگار نیست. سبک زندگی و خانه سازی‌هایی که ما داریم با فرهنگ ما سازگار نیست شاید می‌توانستیم به نحو دیگری معماری و شهرسازی خود را داشته باشیم. نحوه زندگی ما در این آپارتمانها مناسب فرهنگ دینی ما نیست. صنعت و معماری و خانه سازی ما پشتوانه فرهنگی داشت. در شهر قم شهرکی بنام مدینه العلم وجود دارد که به گونه ای ساخته شده است که هیچ ساختمانی بر ساختمان دیگر اشراف ندارد.

یکی از ویژگیها و مؤلفه های مدرنیته، علم گرایی است. یعنی با توجه به پیشرفتهایی که در علوم تجربی صورت گرفته تلاش می‌شود که همه حقایق و هستی براساس شیوه علوم تجربی بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. واقعا این امر از لحاظ فلسفی با مشکل مواجه است یعنی اگر بخواهیم براساس علم که فضا و حوزه محدودی را فراگرفته همه قلمروهای حوزه های دانش را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، کار نادرستی است. این امر یکی از مشکلاتی است که بعضی از آنها به جامعه ما سرایت کرده

در زمانی که علم جدید وارد ایران شد و دارالفنون ساخته شد برخی از اساتید خارجی وارد کشور ما شدند برای اینکه این علوم را توضیح دهند. به هر جهت تفکر خودشان را هم القا کردند که دانشجویان آن زمان یا دانشجویانی که به خارج اعزام می شدند تحت تأثیر فرهنگ آنها قرار گرفتند، رفتند علم را بگیرند اما خوب بررسی نکردند و علم گرایی یا سایر مؤلفه های مدرنیته را گرفتند که یکی از آنها سکولاریسم، تجربه گرایی، نفی عالم ماوراء است یعنی در واقع جهان بینی مادی گرایانه و تجربه گرایانه ای که در ماوراء این علوم تجربی قرار داشت را القا کردند به دانشجویان ما به محصلان علوم جدید. لذا شما در دانشگاه های زمان طاغوت می بینید که یک نوع تفکر مادی و جهان بینی علمی ترویج می شد و اکثر محصلان هم تحت تأثیر این تفکر قرار می گرفتند. پس امکان داشت که ما فناوری نوین را بگیریم و افراد پخته و افرادی که از نظر فکری قدرت تجزیه و تحلیل داشتند براساس یقین و استدلالهای قوی مبانی فکری خودشان را پذیرفته بودند تحت تأثیر قرار نمی گرفتند ولی در واقع از لحاظ فرهنگی ضعیف بودند آنها توانستند تأثیرگذاری کنند و در واقع ما را از هویت خودمان خالی کردند یعنی ما هم حرفهای آنها را می زدیم و تفکر آنها را هم با خود علم به جامعه خودمان آوردیم و لذا تعارضی بین دانشگاه های زمان طاغوت و حوزه های علمیه مشاهده می کنید. حوزویان دانشگاهیان را متهم به بی دینی می کردند و دانشگاهیان هم حوزویان را متهم به عقب افتادگی و دور از تمدن می کردند.

*در هویت کنونی میانگین افراد جامعه ما، سنتها چه نقشی دارند؟

به نظرم باید سنت و مدرن را معنا کرد و بررسی آماری داشته باشیم تا بتوانیم به این سؤال شما پاسخ دهیم. ولی به هر جهت هر کجا که ما خطا و مشکلی در روابط اجتماعی و مسائل اقتصادی و ... داریم و جنبه های انسانیت و احساسی و عاطفی ما با مشکل مواجه شده است اینها تحت تأثیر مدرنیته قرار گرفته است. در حوزه اقتصاد مسأله سودگرایی حاکم شده و کارخانه ها و صنعت و انسانها دنبال سود و منفعت خودشان هستند.

رسالتی که به عهده انسانها هست و دلسوزی که یک انسان باید نسبت به انسان دیگر داشته باشد؛ چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه اجتماعی و ... را کمتر می بینیم، البته نمی گویم اصلا وجود ندارد. مثلا خمس و زکاتی که در فرهنگ ما وجود دارد و هر کس بخشی از نتایج دسترنج خود را با رغبت در راه ترویج دین ارائه می دهد و به فقرا کمک می کند ولی واقعا باید مورد بررسی قرار گیرد که تا آنجایی که می توانیم باید خودمان را به عنوان یکی از اعضای خانواده مؤمنین لحاظ کنیم.

قرآن می فرماید که مؤمنین برادر یکدیگر هستند. حضرت امام(ره) می فرمایند انگار مؤمن شأئیتی ندارد الا برادری، لذا ما همه برادر همدیگر هستیم. آیا واقعا ما در روابط اقتصادی و حقوقی مانند برادر با یکدیگر عمل می کنیم یا مثل بیگانه با هم برخورد می کنیم. اگر بیگانه هستیم تحت تأثیر فرهنگ غرب است اگر با هم برادر هستیم از فرهنگ سنتی و دینی خودمان است. به تعبیر مقام معظم رهبری هر جایی که ما مشکلی داریم از اسلام فاصله گرفتیم و تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتیم.

70 هزار مورد طلاق در سال ثبت می شود، قبلا از این اتفاقات نبود. اینقدر کانون خانواده متزلزل نبود اینها از روابط و تعاملاتی که وارداتی هست و مربوط به سنت ما نیست نشأت می گیرد. حجم پرونده های قضایی که به چند میلیون رسیده نیز زبیده جامعه اسلامی نیست. در قدیم گذشت، صفا و صمیمیت و ایثار بیشتر بود و مردم کمتر خود را درگیر این مسائل می کردند. تا آنجایی که داریم خوب زندگی می کنیم مربوط به فرهنگ دینی ماست و آنجایی که مشکل پیدا کردیم متأثر از غرب شدیم. متولیان فرهنگی باید این مسائل را آسیب شناسی و راهکار ارائه کنند.